

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنک راد

۲۶.۰۵.۱۰

"قرار نبود و نیست که این تبعیض‌ها در حق زنان روا داشته

شود"!!!

این را زهرا رهنورد به همراه میرحسین موسوی در دیدار دیروز خود – چهارم خرداد ماه - با جمعی از اعضای جوانان و دانشجویان حزب اعتماد ملی گفته است. عجب بلبشو بازاری شده است و مفاهیم واژه‌ها و ماهیت مدافعان بی حقوقی زنان در درون جامعه هم وارونه جلوه داده می‌شود. این‌روزها کسانی از حق و حقوق مردم و لگدمال شدن مطالبات پایه‌ی زنان سخن به میان می‌آورند که پرونده‌های بسیار سنگین و مملو از قتل و جنایت زنان و توده‌های محروم در کیسه‌شان دارند. دنیای عجیب و غریبی را به انسان و انسانیت تحمیل می‌کنند و بناءبه مصلحت روزگار و به منظور پایداری نظام‌شان، رنگ عوض می‌کنند. در این میان زهرا رهنورد هم برای عقب نماندن از کاروان سرمایه، ندای دفاع از حقوق زنان و رفع تبعیض و آن‌هم در زیر سایه رژیم جمهوری اسلامی سر می‌دهد؛ حقوقی که سی سال آزرگار است علناً و قانوناً لگدمال می‌شود و مختص به یکی و دو سال اخیر نیست.

به راستی سؤال این است مگر جمهوری اسلامی فقط این‌روزهاست که خلاف آن قرار و مدارها را در حق زنان در پیش می‌گیرد؟ مگر حمله به زنان و سرکوب حقوق اولی آنان صرفاً و صرفاً به بعد از انتخابات ریاست جمهوری و همزمان با "شکست" موسوی در خرداد ۸۸ بر می‌گردد؟ مگر زن در دهه اول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی که رهبران و مدافعان "سبز" برای بازگشت آن سینه چاک می‌نمایند، بهتر از آنچه در شرایط کنونی شاهد آنیم بود و زن در آن دهه از حقوق "والایی" برخوردار بوده است؟

حسد و گمان‌ها و تردیدها را باید کنار گذاشت و از تحریف حقایق و آویزان شدن به جناح "مغلوب" دولتی و به اصطلاح مبارزه با جناح "غالب" دوری جست. برای این‌که اسناد سوزانده نشده است و مهمتر از همه این‌ها قربانیان بی‌شماری از سیاست‌های سرکوب و تجاوزگرانه رژیم، در قید حیات‌اند و از یاد نبرده‌اند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی، به پاس قانون اساسی منتج از "قرآن" اش، یورش به زنان را سازمان داده است و جدا از اسید پاشی بر سر و صورت زنان "بی حجاب"، آنانرا از عرصه فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی به دور ساخت و آن‌چنان

ضربه هولناکی بر پیکره و روح و روان آنان وارد ساخت که توضیح آن تکان‌دهنده است. تحمیل لباس دل‌خواه خودی به نیمی از جمعیت جامعه، تجاوز به زندانیان سیاسی زن از همان اوان حاکمیت و اعدام‌های دسته‌جمعی زنان و غیره، نشان از موقعیت زنان در زیر سلطه سه دهه رژیم جمهوری اسلامی دارد؛ رژیمی که در چارچوب قانون اساسی و وفاداری عمیق‌اش به "اسلام"، به هیچ احد انسانی رحم نکرده است و همچنان و در همان مسیر انتخابی و نوشته شده خود در پیش است.

نظام جمهوری اسلامی آمده است تا قرار تبعیض و بی‌عدالتی‌های درون جامعه را محترم بشمارد؛ قرار بر این بود تا زن را، نیمه مرد به حساب آورد؛ قرار بر این بود تا زن را از تعیین دروس و فعالیت‌های انتخابی‌اش به دور سازد؛ قرار بر این بود تا مردان بر زنان مسلط باشند و قرار بر این بود تا زن به موجودی بی اختیار و "دست دوم" به حساب آید. این‌چنین نوشته شده است و سران حکومت هم تاکنون این‌چنین رفتار کرده‌اند و این‌چنین هم ادامه خواهند داد. دلیل اعتباری و پایداری چنین رفتار و کرداری را نسبت به زن باید در قوانین رژیم جمهوری اسلامی جستجو نمود. همان قانونی که زهرا رهنورد برای اجرای کامل آن با رقیبان دولتی خود - و این‌بار با رنگ "سبز" - می‌جنگد!!

خلاف "مدافع" امروزی حقوق زنان باید گفت که حمله و یورش افسار گسیخته به زن صرفاً و صرفاً به بعد از "انتخابات نهم و دهم" ریاست جمهوری اسلامی بر نمی‌گردد و ریشه دیرینه و قدمت سه دهه دارد. با سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و با تصویب قانون اساسی بود که موقعیت زندگانی - اجتماعی زنان آشکارتر گردید و در این میان هم، همه دولت‌ها از آغاز تاکنون از یکسو وفاداری خود را به رژیم و طبقه حاکمه و سرمایه‌داران و از سوی دیگر بی‌وفائی و بی‌مهری خود را همراه با چوب و چماق و زور و سرکوب به زنان نشان داده‌اند. اصلاً و ابداً چنین رفتاری در درون جامعه مان تازگی ندارد و اصلاً و ابداً در خلاف ذائقه سرمایه‌داران و مدافعانش نسبت به محترم شمردن حق و حقوق پایمندی زنان نیست.

این‌ها همان سیاست پای ریخته شده رژیم جمهوری اسلامی است. برای این‌که قانون مصوبه رژیم جمهوری اسلامی، هم‌تراز با مطالبات پایمندی زنان نوشته نشده است. برای این‌که قانون مرتجعین است و در خدمت به رشد و بالندگی زنان نیست. این قانون سرمایه است و به درد خودِ ظالمان و مدافعان تبعیض در درون جامعه می‌خورد. این قانون مدافع عده خاصی است و کاری هم به حق و حقوق زنان و محرومان ندارد.

بنابراین سخن از پای‌بندی به آزادی و دموکراسی در چنین نظام‌هایی بیهوده است. حیات نظام‌هایی همچون نظام جمهوری اسلامی با تعرض به حقوق نیمی از جمعیت زحمت‌کش جامعه گره خورده است و بی‌گمان، بدون لگدمال نمودن و اجحاف و استثمار و سرکوب ممتد زنان، سران حکومت قادر به گرداندن تسمه سرمایه در درون جامعه مان نیستند. به بیانی حقیقی قانون‌گرایی و عدم دخالت در زندگی زنان، نیازمند پای‌بندی عمیق و عملی به قانون انسانی است. قانونی که متضمن منافع ملیون‌ها انسان محروم من جمله زنان باشد. واضح است تا زمانی‌که ریشه مدافعان رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی و قانون اساسی ارتجاعی‌اش سوزانده نشود، موقعیت سیاسی - اجتماعی و زندگانی زنان پیچیده‌تر و بغرنج‌تر هم خواهد گردید.

۵ خرداد ۱۳۸۹

۲۶ مه ۲۰۱۰